



Role of Oil-based Economic Components in Spatial Transformations of Tehran and Tabriz Metropolises

ARTICLE INFO

Article Type

Descriptive Study

Authors

Imani Shamlou J. ¹ MSc,
Pourjafar M.R. ¹ PhD,
Rafieian M.* PhD

How to cite this article

Imani Shamlou J, Pourjafar M R, Rafieian M. Role of Oil-based Economic Components in Spatial Transformations of Tehran and Tabriz Metropolises. Political Spatial Planning. 2019;1(1):1-9.

*Urban Planning Department, Art & Architecture Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran
¹Urban Planning Department, Art & Architecture Faculty, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Correspondence

Address: Urban Planning Department, Art & Architecture Faculty, Tarbiat Modares University, Nasr Bridge, Jalal-Al-Ahmad Highway, Tehran, Iran

Phone: +98 (21) 82883796

Fax: +98 (21) 82883796

mrafiyan@gmail.com

Article History

Received: November 6, 2017

Accepted: December 1, 2017

ePublished: March 3, 2019

ABSTRACT

Aims Today, due to a large change in economic, political, and other relations, the spatial structure of cities, especially metropolises, is subject to rapid changes. Regarding the influence of structural components, especially the component of politics (power), on space, on one hand, and the existence of oil revenues and structural features of Iran on the other hand, consideration of the spatial transformations of metropolises is necessary in terms of politics and power. The aim of this study was to investigate the pattern of spatial transformations of Tehran and Tabriz metropolises in the context of Iranian oil economy.

Instruments & Methods In this analytical-descriptive study, the required data, information, and concepts related to the indices explaining the spatial transformations of Tehran and Tabriz metropolises were collected directly with access to some information sources, including the Central Bank site and the Statistical Center. In the theoretical foundation, the most part of the study was done in library. Pearson correlation coefficient and Simultaneous regression test were used to determine the relationship between oil revenues of the country and building approval certificates issued by the municipality of Tehran and Tabriz.

Findings The oil revenues had a direct correlation with the number of building approval certificates issued in Tabriz ($r=0.5663$; $p=0.0025$) and Tehran ($r=0.7440$; $p=0.0005$). The oil revenues could explain 56.63% of the building approval certificates issued in Tabriz and 74.44% of the building approval certificates issued in Tehran.

Conclusion Production, spatial transformations, and construction activities in Tehran and Tabriz metropolises are directly affected by oil revenues.

Keywords Planning; Spatial Transformations; Political Economy; Space; Oil Revenue; Tehran; Tabriz

CITATION LINKS

[1] Towards a new typology of urban planning theories [2] New directions in planning theory [3] The importance of urban public spaces in sustainable development of urban tourism (Case study: region 1 in Hamedan municipality) [4] Urban design process [5] Aiming for a better public realm: gauging the effectiveness of design control methods in Wellington [6] Critical theory [7] Review over critical theory in education [8] Pathology of integrated urban management for Tehran in view of policy and decision making [9] Key stakeholders power analysis of policy making process in Tehran's strategic-structural (comprehensive) plan (1999-2011) [10] Power and redefine the theory of urban planning (with an emphasis on the perspective of the political economy of space) [11] Neoliberalism and its impact on urban space (Case study: cities of England) [12] Theoretical perspectives in urban sociology and urbanization [13] Theories on capitalist urbanization and the postsocialist city [14] Airline passenger flows through cities, Some New Evidence [15] Urban evolution of the city of Doha: an investigation into the impact of economic transformations on urban structures [16] Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution [17] Spatial Evolution Analysis of Metropolises Associated with Changes in Oil Prices (Case Study: Tabriz Metropolis) [18] Statistics of the municipality of Tabriz city [19] Statistical yearbook of Tehran city municipality [20] New perspective in urban geography [21] Evaluation of the process of demolition and renovation of urban texture [22] From managerialism to entrepreneurialism: The transformation in urban governance in late capitalism [23] Right to the city [24] Urbanization under Capitalism: A Framework for Analysis [25] Urban speculation and spatial segregation (spatial evolutions analysis of Tehran metropolis in the context of oil-based economy)

نقش مولفه‌های اقتصادی مبتنی بر نفت در تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز

جواد ایمانی‌شاملو MSc

گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

محمدرضا پورجعفر PhD

گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

مجتبی رفیعیان* PhD

گروه شهرسازی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده

اهداف: امروزه به‌دنبال تغییر وسیع در مناسبات اقتصادی، سیاسی و غیره، ساختار فضایی شهرها به‌ویژه کلان‌شهرها در معرض تحولات سریعی قرار دارند. با توجه به تأثیرپذیری فضا از مولفه‌های ساختاری و به‌ویژه مولفه سیاست (قدرت) از یک سو و وجود درآمدهای نفتی و ویژگی‌های ساختاری خاص ایران از سوی دیگر، توجه به تحولات فضایی کلان‌شهرها از منظر سیاست و قدرت ضرورت می‌یابد. هدف پژوهش حاضر، بررسی الگوی تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز در بستر اقتصاد نفتی ایران بود.

ابزار و روش‌ها: در این پژوهش تحلیلی-توصیفی، داده‌ها، اطلاعات و مفاهیم مورد نیاز در ارتباط با شاخص‌های تبیین‌کننده تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز علاوه بر جمع‌آوری به‌صورت مستقیم با دسترسی به برخی منابع اطلاعاتی از جمله سایت بانک مرکزی و مرکز آمار نیز جمع‌آوری شد. در بخش مبانی نظری، عمده مطالعات به‌صورت کتابخانه‌ای انجام شد. برای تعیین وجود رابطه بین درآمدهای نفتی کشور و پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری دو کلان‌شهر تهران و تبریز، از ضریب همبستگی پیرسون و سپس آزمون رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته‌ها: میزان درآمدهای نفتی با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلان‌شهر تبریز ($r=0.5663$; $p=0.0025$) و همچنین با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلان‌شهر تهران ($r=0.7440$; $p=0.0005$)، همبستگی مستقیم داشت. میزان درآمدهای نفتی توانست $56/63\%$ تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلان‌شهر تبریز و $74/40\%$ تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلان‌شهر تهران را تبیین نماید.

نتیجه‌گیری: تولید، تحولات فضا و فعالیت‌های ساختمانی در کلان‌شهرهای تهران و تبریز تحت تأثیر مستقیم درآمدهای نفتی قرار دارد.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی، تحولات فضایی، اقتصاد سیاسی، فضا، درآمد نفتی، تهران، تبریز

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰

*نویسنده مسئول: mrafiyan@gmail.com

مقدمه

با توجه به مفاهیم مطرح در علوم مختلف به‌ویژه حوزه جغرافیا، فضا موجودیتی مستقل نیست، بلکه در ارتباط تنگاتنگ با مفاهیم انتزاعی و تجربی بوده و با آن عجین شده است. ورود عوامل تجربی و اجتماعی در معادلات پیچیده فضایی، ابعاد فلسفی جدیدی به مطالعات فضایی بخشیده است. فرآیندهای تعاملی نظریه‌پردازی و تجربه‌اندوزی پیچیدگی و چالش‌های بین علم و عمل برنامه‌ریزی را هر چه بیشتر روشن ساخته که در ادامه این عامل بسترساز تحول در مفاهیم برنامه‌ریزی و لزوم حرکت در جهت انتقال از کالبد به روان، شکل به محتوی، قطعیت به احتمال و غیره، آشکار و لزوم درک عوامل انسانی- اجتماعی در سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی و به تبع آن در کالبد و فضا گریزناپذیر شده است. در چنین بستری مفاهیمی مانند مسایل اجتماعی، قدرت و غیره در عرصه برنامه‌ریزی موضوعیت پیدا می‌کند و موجب شکل‌گیری رویکردهایی مانند اقتصاد سیاسی فضا می‌شود که نوعی ارتباط تنگاتنگ و ناگسستنی میان فرآیندهای سیاسی و فرآیندهای

اقتصادی را پیش‌فرض قرار داده و نقش شیوه تولید و روابط اجتماعی را در تحولات فضایی شهرها دخیل دانسته و مورد بررسی قرار می‌دهد.

یکی از دیدگاه‌های قدرتمند که تحولات فضایی را از دیدگاه روابط سیاسی و قدرت مطالعه می‌کند اقتصاد سیاسی فضا است که با انتقاد از روابط سرمایه‌داری، شکل‌گیری فضاها و تحولات آنها را در راستای تسهیل روابط سرمایه‌داری می‌داند. به بیان دیگر استراتژی‌های نئولیبرالی که امروزه در روح و روان شهرها ریشه دوانده و قریب‌به‌اتفاق شهرها با مکانیزم‌های نظام سرمایه‌داری آمیخته شده‌اند، موجب بازتولید فضاهای شهری به‌صورت تنگاتنگ تحت تأثیر نیروهای سیاسی و اقتصادی شده تا محملی برای تسهیل روابط سرمایه‌داری ایجاد شود. بنابراین تولید فضا پدیده‌ای در راستای تحکیم روابط انباشت، گردش، سود و غیره به‌عنوان مولفه‌های اصلی سرمایه‌داری است. از مفاهیم مطرح شده می‌توان چنین استنباط کرد که تولید فضا تحت تأثیر مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و غیره است که به فراخور شرایط هر یک از مولفه‌ها تحت قالب این شرایط تغییر وضعیت می‌دهند. تجربیات نظری و عملی حاکی از آن است که فرآیند تولید فضا با توجه به ویژگی‌های مختلف کشورهای نفتی متفاوت از سایر کشورها اتفاق می‌افتد. بنابراین مکانیزم‌ها و روابط موجود در جریان تولید فضا و ساختار آن تحت تأثیر نیروهای اقتصادی و سیاسی نفتی نقطه مورد تأکید خواهد بود. به‌عبارتی الگوی فضایی کلان‌شهرها در اقتصاد نفتی که تحت تأثیر نیروها و گروه‌های مختلف سیاسی (قدرت) و اقتصادی هستند الگوی فضایی را متبلور می‌کنند که تسهیل‌کننده جریان گردش سرمایه و سود اضافی به نفع طبقات سرمایه‌دار باشد که تبعات مختلف عدم تعادل در توسعه و قدرت‌محوربودن سازمان فضایی این کلان‌شهرهاست. چالش پیش رو پیچیدگی فضایی کلان‌شهرها در بستر مولفه‌های اقتصادی و سیاسی کشورهای نفتی است.

تعامل برنامه‌ریزی فضا و مفهوم قدرت: نظریه برنامه‌ریزی تابعی از تعریف برنامه‌ریزی، انواع آن و رابطه‌اش با جامعه و دولت و بسیاری از عوامل دیگر است. با ورود به این مباحث، برحسب دیدگاهی انتخابی با تعاریف متفاوت روبه‌رو خواهیم شد^[1].

کمپ‌بل و فاینشتاین نظریه برنامه‌ریزی را چنین تعریف می‌کنند که "نظریه برنامه‌ریزی، موضوعی پرابهام متکی بر رشته‌های گوناگون دانش بشری و بدون هیچ محور یا کانون مشخص مورد وفاق است"^[2]. در این راستا آرای مختلفی از اندیشمندان این حوزه در باب علل تشنت و دشواری تعریف برنامه‌ریزی وجود دارد (جدول ۱)^[1].

از آنجاکه موضوع فضا و فضای شهری به‌عنوان برون‌داد فرآیند برنامه‌ریزی محسوب می‌شود، فضا و چگونگی سازمان‌یابی آن نیز از مسایل پرچالشی است که موضوع اختصاصی و کانون توجه علوم جغرافیایی و شهری و مکاتب مختلف فکری آن از دیرباز تاکنون بوده و همواره مفهوم آن در طول تاریخ تفکر اجتماعی و در قالب مکاتب کلاسیک و نو مورد چالش بوده است^[3]. بنابراین از نظر فلسفی سه دیدگاه عمده در ارتباط با فضا شامل موضع مطلق یا جوهری، موضع ربطی یا نسبی و موضع معرفت‌شناختی آرایه شده است. آنچه مسلم است با گذشت زمان و آشکار شدن ضعف قدرت رویکردهای عینی در تبیین فضا توجه به عوامل انسانی- اجتماعی در سازمان‌دهی کالبد و فضا گریزناپذیر می‌شود و فضا دلالت‌های اجتماعی و جامعه‌شناسانه بیشتری می‌یابد.

فریدمن: موضوع برنامه‌ریزی هنوز باز و طبیعتاً مورد اختلاف است، نوعی تصور افراطونی مبنی بر صادق بودن نظریه برنامه‌ریزی در همه فرهنگ‌ها و نظام‌های سیاسی، برداشت‌های متفاوت از نقش نظریه از قبیل نقش هنجاری، تبیینی یا اقتصاد سیاسی، خودستیزی و ابهام در نظریه برنامه‌ریزی در مورد قدرت وجود دارد.

کمپبل و فاینشتاین: ارتباط سئوالات مرتبط با نظریه برنامه‌ریزی با حوزه‌های مختلفی از علوم اجتماعی و غیره، مرز میان برنامه‌ریزان و سایر حرفه‌مندان کاملاً مشخص نیست، تقسیم برنامه‌ریزی به دو دسته که یک گروه برنامه‌ریزی را باتوجه با موضوع و گروه دیگر باتوجه به روش آن تعریف می‌کنند، روش‌های متنوع برگرفته از رشته‌های مختلف در عرصه برنامه‌ریزی و عدم تشخیص آن وجود دارد.

آلمندینگر: دولت‌ها حامی برنامه‌ریزی بوده‌اند و به‌علت قدرت‌شان بدون نیاز به نظریه دست به اقدام می‌زدند، بیشتر برنامه‌ریزان به جزییات فنی توجه دارند تا خود نظریه.

یک ابزار تبیینی مناسب در تحلیل واقعیات در عرصه نظریات شهر و فضا رخنه کرده و پایه‌گذار نظریاتی با این مضمون شده است. لذا بحث‌های محتوایی نظیر قدرت در عرصه مسایل اجتماعی و از آن جمله در برنامه‌ریزی شهری دارد. در واقع می‌توان قدرت را به‌مثابه یک نهاد متشکل جامعه در نظر گرفت که خود را در قالب ساختار قدرت و سیاست متجلی می‌سازد [8].

در واقع فضا یکسره محصول تمایل یک طبقه نیست، بلکه محصول مبارزه و کشمکش طبقات و به‌عبارتی تعارض قدرت کنشگران است. در این راستا نظریه کنشگر شبکه نیز دریافتی از قدرت و بازی قدرت است و تاثیر هم‌زمان کنشگران مختلف بر پیدایش سیاست‌ها و تصمیم‌ها را تشکیل می‌دهد. پس تناقضات و تمایزات فضایی حاصل تناقضات و تمایزات منافع کنشگران مختلف موجود در جامعه است [9]. از طرفی با توجه به تعدد نیروهای موجود، هر یک از این نیروها به‌طور نامتوازی منابع قدرت را در اختیار دارند که موجب تاثیرگذاری بیشتر نیروهای متشکل می‌شود و طبقات پایین سلسله‌مراتب قدرت را تحت سلطه قرار داده و تاثیر بیشتری بر امور جامعه دارند. قدرت‌رانی نیز از کانال‌های مختلف اعمال می‌شود و بدون توجه و درک عمیق مولفه‌های نظام قدرت، استخراج شیوه متعادل‌سازی و توزیع آن را ناممکن می‌نماید. این مفاهیم در عرصه فضا و برنامه‌ریزی شهری از اواسط قرن بیستم با تحولات عمیقی که در مفاهیم رخ داده و با توجه به مفاهیم محتوایی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است، وارد شده و تحت تاثیر مفاهیمی نظیر تعامل و ارتباط جامعه و فضا مطرح شد و زمینه مطرح شدن نظراتی در باب شهر و فضای شهری شد که به موضوع سیاست (قدرت) در آن می‌پردازند (جدول ۲) [10].

جدول ۲) آرای اندیشمندان حوزه قدرت در زمینه فضا و برنامه‌ریزی

داویدوف: بر رابطه سیاست و برنامه‌ریزی تاکید می‌کند. از نظر وی منافع عمومی از موضوعات سیاست است.
هاروی: از اوایل دهه ۷۰ بر بی‌توجهی قدرت در برنامه‌ریزی انتقاد کردند و بر وابستگی بین فرم‌های فضایی و فرآیندهای اجتماعی تاکید دارد. چگونگی خلق چشم‌اندازهای کالبدی، مورفولوژی، خانه‌ها و فروشگاه‌ها به‌عنوان بخشی از فرآیند تولید فضا را تشریح می‌کند.
کاستلز: بر بی‌توجهی قدرت در برنامه‌ریزی انتقاد می‌کند.
فوکو: قدرت لزوماً چیزی منفی نیست، بلکه حقیقت همان قدرت است که برای تثبیت منافع، ارزش‌ها و غیره قابل درک است و قدرت به تولید مشغول است، قدرت واقعیت تولید می‌کند و از طریق سازوکارهایی نظیر انضباط برای انقیاد، استفاده و تغییر و اصلاح اعمال می‌شود.
لوفور: اعتقاد دارد تولید فضا، سیاسی است و تنها عینیتی علمی نیست و به‌عبارتی تولیدی اجتماعی است.
فورستر: می‌خواهد پیوندی بین بینش سیاسی و کنش عملی برقرار کند که مویید وجود قدرت‌های دخیل در عمل برنامه‌ریزی است. یعنی در هر تصمیم‌گیری رابطه سیاسی نیز بازتولید می‌شود.

اقتصاد سیاسی فضا و تعمیم به کشورهای نفتی: این دیدگاه فضا را پدیده‌ای تولید شده می‌داند، سپس می‌کوشد تا سازوکارهای حاکم بر تولید فضا را کشف کند. در این رهگذر اولین نتیجه‌گیری آن است که تولید فضا، چه مستقیم و چه غیرمستقیم، انعکاس روابط طبقاتی یا به بیان کلی‌تر بهره‌کشی است [11]. در این دیدگاه طبقه حاکم از طریق محیط مصنوع به کل جامعه دست‌اندازی می‌کند و به اعمال کنترل دست می‌پردازد. بر این اساس هدف اقتصاد سیاسی فضا، کشف الگوهای فضایی فرآیند تولید، توزیع و مصرف و نقش دولت، گروه‌ها و طبقات اجتماعی در شکل بخشی به این الگوهاست [12]. در این رویکرد، شهر مرکز مبارزه میان گروه‌هایی است که به‌دنبال سودآوری از زمین‌های شهری و کسانی که

فضای شهری به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های مفهوم فضا، از این مقوله مستثنا نبوده و به‌واسطه آنکه عرصه ایفای نقش بازیگرانی است که هر یک به‌عنوان کنشگرانی از جامعه خود محسوب می‌شوند [4]. موجد برقراری رابطه‌ای پویا بین ابعاد اجتماعی و فیزیکی شهر می‌شود؛ بدین معنی که فضای شهری مشتمل بر دو فضای اجتماعی و فیزیکی می‌شود [5]. در همین راستا نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است و هر یک از صاحب‌نظران بسته به زاویه دیدشان، دسته‌بندی‌های مختلفی را ارائه کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به رویکرد اقتصاد سیاسی فضا اشاره کرد. این رویکرد با توجه به زاویه دید این پژوهش که در پی تبیین تحولات فضایی شهرها با در نظر گرفتن متغیر قدرت (سیاست) است، به‌عنوان پشتیبان نظری این مطالعه محسوب می‌شود. در ادامه با تحلیل این رویکرد و اساس شکل‌گیری آن، پشتوانه نظری لازم برای پیش‌برد مطالعه ارائه شده است.

رویکرد انتقادی و تحلیل هنجاری فضا و برنامه‌ریزی: نظریه انتقادی، معنایی وسیع در فلسفه و تاریخ علوم اجتماعی دارد و در معنای متداولش، نام مکتب فکری است که چندین نسل از فیلسوفان آلمانی و نظریه‌پردازان مارکسیست اروپای غربی مشهور به مکتب فرانکفورت پیرو آن بودند. سه ویژگی که نظریه انتقادی باید داشته باشد تبیین‌گری، عمل‌گرایی و هنجاری بودن است. مراد آن است که نظریه انتقادی باید مشکلات و نادرستی‌های واقعیت اجتماعی موجود را تبیین کند، بازیگرانی را که قادر به تغییر آن هستند معرفی نماید و هنجارهای روشنی برای نقد و همچنین اهداف عملی و دست‌یافتنی برای تغییر اجتماعی در اختیار نهد [6]. از جمله نکات مورد تاکید نظریات انتقادی این است که واقعیت‌ها را نمی‌توان جدا از ارزش‌ها دانست. روشنفکران نباید در جهت‌گیری‌های علمی-تحقیقاتی واقعیت را از قضاوت ارزشی جدا کنند، همچنین از آنجا که اصالت و اعتبار واقعیت در گرو ارزش‌ها و هنجارهاست، بنابراین روشنفکران باید نسبت به جامعه مورد بررسی موضعی انتقادی داشته باشند، موضعی که هدف اساسی آن آگاه‌ساختن افراد و ایجاد تحول اجتماعی باشد. در نهایت می‌توان عنوان کرد مکتب انتقادی دربرگیرنده انتقاد از جامعه و نیز نظام‌های گوناگون معرفتی است و هدف نهایی آن افشای دقیق‌تر ماهیت جامعه است [7]. این نظریه از "مارکس" الهام گرفته و هدف اصلی نظریه انتقادی نشان‌دادن روابط قدرت در چارچوب پدیده‌های فرهنگی است. بنابراین ظهور چنین رویکردی، مقدمه ورود مولفه‌های ارزشی در تحلیل‌های اجتماعی و به تبع آن در برنامه‌ریزی و مفهوم فضا است. به‌عبارتی مفهوم قدرت به‌عنوان

می‌خواهند روی این زمین‌ها زندگی کنند. در این دیدگاه توسعه تاریخی فرم شهری ناشی از این مناقشات و نیاز به ایجاد زمینه و شرایط لازم برای تولید و بازتولید سرمایه‌داری است. شرایط لازم برای پاسخ به این نیازها است که سیاست‌های شهری را در راستای منافع طبقه سرمایه‌دار شکل می‌دهد^[13].

در شهرهای مربوط به کشورهای نفتی با توجه به شرایط کاملاً متفاوت مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی و افزایش درآمد حاصل از کشف نفت در دهه‌های میانی قرن بیستم، موجب تمرکز سرمایه و رشد روزافزون آنها و به دنبال آن افزایش زیرساخت‌ها، رونق ساخت‌وسازها و شکل‌گیری قوانین مدون، این شهرها وارد مرحله جدیدی شده‌اند^[14]. با ورود درآمدهای کلان نفتی در سیستم اقتصادی کشور، سیستم جهانی و سیستم سرمایه‌داری بیش‌ازپیش در مناسبات این کشور رسوخ می‌کند. به‌عبارتی این عنصر موجب می‌شود نقش سیاست‌های لیبرالیستی در سیستم سیاسی و اقتصادی این کشور نفوذ کند^[15]. حال با توجه به اینکه سرمایه‌داری بر پایه انباشت سرمایه، گردش آن و سود استوار است این فرآیند و انباشت سرمایه در کشورهای نفتی بر پایه سرمایه ثابت پررنگ‌تر است، چراکه با توجه به حجم نقدینگی حاصل از سرمایه‌های نفتی موجود در جامعه، میزان تورم در عرصه زمین و مستغلات بالاست و بنابراین در درجه اول با توجه به گرایش جامعه برای حفظ ارزش دارایی خود و در درجه دوم نیز برای کسب سود بیشتر، میزان فعالیت در عرصه ساخت‌وساز افزایش روزافزونی دارد. در این‌گونه اقتصادها، سوداگری از پیامدهای فعالیت‌های بازار زمین و مسکن است که در این اقدامات نیز گروه‌های صاحب سرمایه یک‌سمت اصلی قضیه هستند و بخش عمده‌ای از این فعالیت‌ها در سیطره چنین گروه‌هایی قرار دارد که اصولاً با توجه به سود بالای مورد انتظار در قسمت‌های مرغوب شهری نیز متمرکز می‌شود و در نهایت موجب فریب‌تر شدن هر چه بیشتر گروه سرمایه‌دار و فاصله گرفتن آنها از طبقات پایین‌تر جامعه و در نهایت شکاف فضایی ایجاد می‌شود. به‌عبارتی رانت‌بازی در بازار زمین و مسکن به‌صورت عمده در انحصار گروه‌های سرمایه‌دار بوده که پیامد آن فاصله طبقاتی است و شکاف فضایی در سطح شهر نیز ترجمان این وضعیت است. این همان مفهومی است که در گرایش ساخت‌گرایی از اقتصاد سیاسی فضا با عنوان شی‌شدگی فضا و مصرفی شدن آن یاد می‌شود که با دادن ارزش مبادله‌ای به فضا، تمامی کنش‌های صورت‌گرفته در فعالیت‌های فضایی را یکسره در راستای تسهیل روابط سرمایه اعمال می‌شود^[16]. بنابراین آنچه قابل استنباط است وجود دو محور "افزایش فعالیت و انباشت سرمایه در قالب سرمایه ثابت" با اهداف سوداگرانه و به تبع آن "شکاف طبقاتی و فضایی" در شهرهای مربوط به کشورهای نفتی در راستای انباشت سرمایه‌های نفتی در قالب فضاهای شهری است. با توجه به مسایل مطرح‌شده، محور دوم را می‌توان به‌نوعی پیامد وجود محور اول نیز به‌شمار آورد.

هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی الگوی تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز در بستر اقتصاد نفتی ایران بود.

ابزار و روش‌ها

پژوهش حاضر از نوع تحلیلی-توصیفی است و از این روش برای سنجش و تبیین موضوع استفاده شد.

در بخش نظری پژوهش به بررسی تحولات فضایی کلان‌شهرها مشخصاً تبریز و تهران در اقتصاد مبتنی بر نفت از منظر اقتصاد

سیاسی فضا پرداخته شد و با استناد بر مبانی مطرح‌شده مولفه‌های اساسی در این نوع از کلان‌شهرها استخراج و شاخص‌های متناسب برای سنجش آنها ارایه شد، به‌عبارتی با استناد بر ادبیات نظری دو محور "انباشت سرمایه در قالب سرمایه ثابت" و "شکاف طبقاتی و فضایی" به‌عنوان خروجی نظری تحولات فضایی در کشورهای نفتی اساس قرار گرفته و با توجه به شاخص‌های تبیین‌کننده هر یک از محورها (جدول ۳) در گام بعدی در بخش تحلیل یافته‌ها این شاخص‌ها در تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز از طریق تحلیل رگرسیونی سنجیده شدند. به این ترتیب که برای سنجش میزان فعالیت‌های ساختمانی از شاخص تعداد پروانه ساختمانی صادرشده، استفاده شد که رابطه آن با درآمد نفتی گویای تاثیر درآمدهای نفتی بر میزان ساخت‌وساز خواهد بود.

جدول ۳) تبیین مولفه و شاخص‌های مورد مطالعه

تعریف عملکردی
انباشت سرمایه در قالب سرمایه ثابت
تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده: پروانه‌های ساختمانی، میزان ساخت‌وساز و در واقع انباشت سرمایه در قالب سرمایه ثابت (تولید فضا) است.
واگرایی و شکاف فضایی
قیمت زمین مسکونی: از آنجا که دسترسی به مسکن مطلوب برای تمامی ساکنین شهر یکسان نیست، ساکنین متمول‌تر به مسکنی دسترسی دارند که در مناطق مرغوب‌تر با قیمت بالاتر قرار گرفته است، یعنی ساختار فضایی شهر با سازمان اجتماعی شهر از طریق نظام تخصیص مسکن ارتباط پیدا می‌کند. معمولاً قیمت زمین شاخصی است که ویژگی‌های مختلف یک محله از قبیل ارزش‌های زیستی، اقتصادی-اجتماعی در آن به‌طور غیرمستقیم نمود پیدا می‌کند. از این رو قیمت مترمربع مستغلات زمین یا مسکن گویاترین و قابل‌دسترس‌ترین شاخص تلفیقی است که مختصات اقتصادی، اجتماعی و کیفیت زیستی فضا را در یک ناحیه نشان می‌دهد ^[17] .
پراکنش پروانه‌های ساختمانی صادرشده: سرمایه‌دارها بخش عمده سرمایه را دارند و با توجه به اینکه انتظار می‌رود میزان بالاتری از رانت را عاید خود کنند، بنابراین انباشت سرمایه در بخش‌های با ارزش شهر که محل این سرمایه‌ها است، تأییدکننده این موضوع است.

برای سنجش میزان شکاف فضایی در گذر چند دهه گذشته میان مناطق شمال اقتصادی و جنوب اقتصادی (در شهر تهران شمال و جنوب اقتصادی منطبق بر شمال و جنوب جغرافیایی است ولی در شهر تبریز شمال و جنوب اقتصادی بیشتر در مفهوم مرکز و حومه نمود پیدا می‌کند)، از شاخص "قیمت زمین مسکونی" و "پراکنش پروانه‌های ساختمانی صادرشده" استفاده شد، به این معنی که میزان شیب تغییرات قیمت زمین مسکونی در جنوب و شمال اقتصادی هر دو کلان‌شهر محاسبه و براساس آن به قضاوت در باب تعدیل یا تعمیق شکاف پرداخته شد. همچنین پراکنش پروانه‌های ساختمانی در مناطق شهری بیانگر میزان انباشت سرمایه در مناطق مرغوب و با مرغوبیت کمتر شهری است که در صورت تمرکز این جریان در مناطق مرغوب شهری می‌توان به جریان سود و سوداگری در این مناطق که در اختیار گروه‌های سرمایه‌دار است، پی برد.

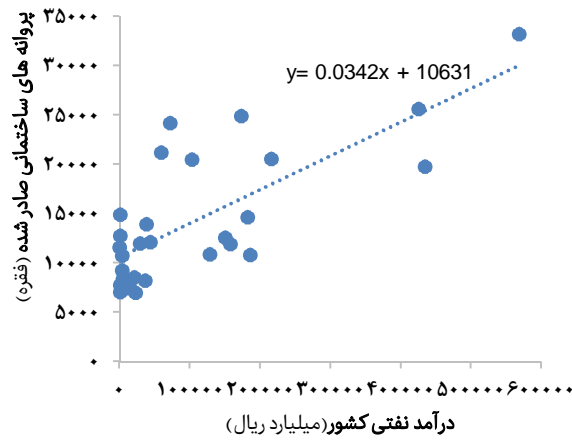
داده‌ها، اطلاعات و مفاهیم مورد نیاز پژوهش نیز از منابع مختلف جمع‌آوری شد، به این ترتیب که در ارتباط با شاخص‌های تبیین‌کننده تحولات فضایی کلان‌شهر تهران و تبریز علاوه بر جمع‌آوری به‌صورت مستقیم با دسترسی به برخی منابع اطلاعاتی از جمله سایت بانک مرکزی و مرکز آمار، از داده‌های ثانویه نیز استفاده شد. در بخش مبانی نظری پژوهش نیز عمده مطالعات به‌صورت کتابخانه‌ای انجام شد.

برای تعیین وجود رابطه بین درآمدهای نفتی کشور و پروانه‌های

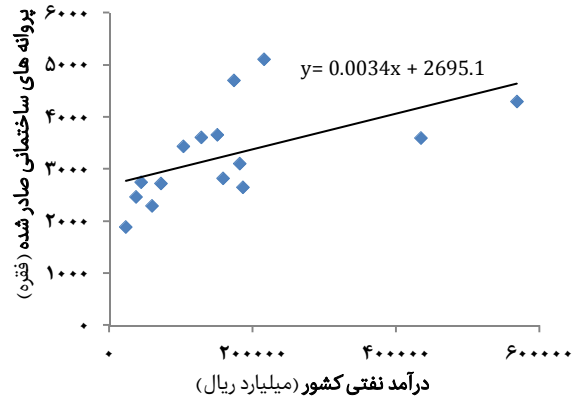
ساختمانی صادرشده توسط شهرداری دو کلان‌شهر تهران و تبریز، از آزمون همبستگی پیرسون و سپس آزمون رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته‌ها

در کلان‌شهر تبریز تغییرات لگاریتمی بسیار نزدیک درآمدهای نفتی با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده، بیان‌کننده همبستگی مورد قبول این دو متغیر بود ($p=0/0025$; $T=0/5663$; نمودار ۱).



● رابطه درآمدهای نفتی با تعداد پروانه های ساختمانی صادرشده شهر تهران
 Linear رابطه درآمدهای نفتی با تعداد پروانه های ساختمانی صادرشده شهر تهران)
نمودار ۳ رابطه درآمدهای نفتی با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده شهر تهران



◆ درآمدهای نفتی با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده شهر تبریز
 — Linear رابطه درآمدهای نفتی با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده شهر تبریز)

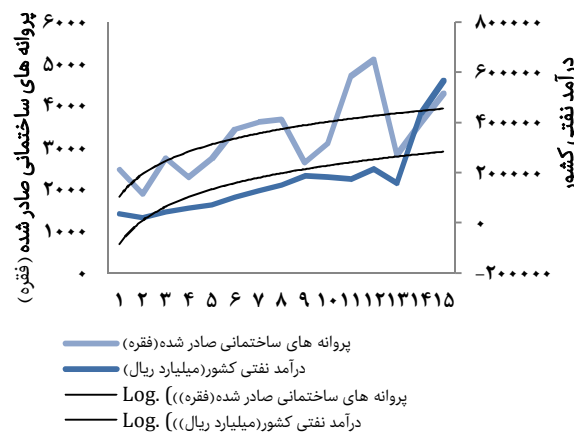
نمودار ۱ رابطه درآمدهای نفتی با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده شهر تبریز

این رابطه نیز با سطح اطمینان ۹۹/۹٪ قابل تعمیم بود و میزان درآمدهای نفتی توانست ۷۴/۴۰٪ تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلان‌شهر تهران را تبیین کند ($p=0/0005$). در کلان‌شهر تبریز تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده در سال ۱۳۹۰ در مناطق ۱ و ۲ به‌عنوان مناطق بیرونی شهر (شمال اقتصادی) ۱۰۹۷ بود. این مقدار برای مناطق ۸ و ۱۰ به‌عنوان مناطق مرکزی شهر (جنوب اقتصادی) ۴۶۱ بود که نشان داد میزان ساخت‌وساز در بافت‌های بیرونی شهر بیشتر از بافت مرکزی بوده است. زیربنای پروانه‌های ساختمانی صادرشده در بافت بیرونی بسیار بیشتر از بافت مرکزی بود (جدول ۴؛ نقشه ۱) [18].

رابطه میان درآمدهای نفتی کشور و پروانه‌های ساختمانی صادرشده توسط شهرداری طی سال‌های ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۰ با سطح اطمینان ۹۹/۵٪ قابلیت تعمیم داشت و میزان درآمدهای نفتی توانست ۵۶/۶۳٪ تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده در کلان‌شهر تبریز را تبیین کند ($p=0/0025$). همچنین برای بررسی تغییرات هم‌زمان دو متغیر از نمودار تغییرات هم‌زمان استفاده شد (نمودار ۲).

جدول ۴ مقایسه پروانه‌های ساختمانی صادرشده در مناطق شمال و جنوب اقتصادی شهر تبریز

مناطق ۱ و ۸ (مناطق مرکزی)	مناطق ۱ و ۲ (مناطق بیرونی)	متغیرهای مربوط به پروانه‌های ساختمانی صادرشده
۱۴۶۹	۳۶۷۵	مساحت (هکتار)
۴۶۱	۱۰۹۷	تعداد پروانه ساختمانی صادرشده
۳۰۵۳۵۱	۱۰۹۷۵۳۶	مساحت زیربنای پروانه‌های ساختمانی صادرشده (متر مربع)
	۲/۵	نسبت مساحت مناطق بیرونی به مناطق مرکزی
	۳/۶	نسبت مساحت زیربنای پروانه‌های ساختمانی صادرشده در مناطق بیرونی به مناطق مرکزی

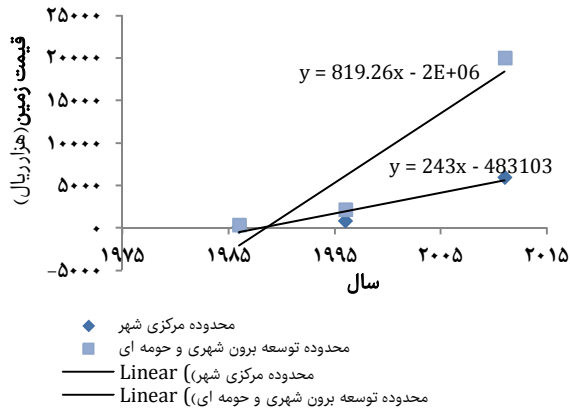


نمودار ۲ تغییرات هم‌زمان درآمدهای نفتی و تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده شهر تبریز

در کلان‌شهر تهران تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده در منطقه شمالی ۷۳۵ و در منطقه جنوبی ۴۳۴ به‌دست آمد که نشان‌دهنده بیشتربودن میزان ساخت‌وساز در مناطق شمالی شهر نسبت به مناطق جنوبی بود. همچنین زیربنای پروانه‌های ساختمانی صادرشده در بافت بیرونی بسیار بیشتر از بافت مرکزی بود (جدول ۵؛ نقشه ۲) [19].

در کلان‌شهر تهران، تعداد پروانه‌های ساختمانی صادرشده توسط شهرداری تحت تاثیر درآمدهای نفتی قرار داشت و باهم رابطه

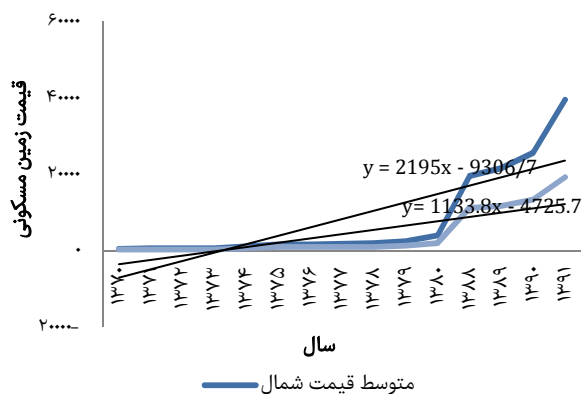
جزء مناطق شمالی و منطقه ۲۱ جزء مناطق جنوبی تهران در نظر گرفته شده است (نمودار ۵). با گذشت زمان فاصله قیمت محدوده شمالی و جنوبی شهر تهران از یکدیگر فاصله بیشتری گرفت و در نهایت و در سال ۱۳۹۱ این فاصله به حالت شکاف عمیقی بروز کرد که بیانگر شکاف فضایی بود (نمودار ۶). ضریب زاویه یا شیب تغییرات مناطق شمالی بالاتر از متوسط ضریب زاویه کل مناطق قرار داشت و مناطق جنوبی نیز پایین‌تر از آن قرار داشتند (نمودار ۷).



نمودار (۴) تغییرات هم‌زمان متوسط قیمت زمین مسکونی در مناطق شمال و جنوب اقتصادی تبریز



نمودار (۵) متوسط قیمت زمین مسکونی در مناطق شمالی و جنوبی تهران (۹۱-۱۳۷۰)

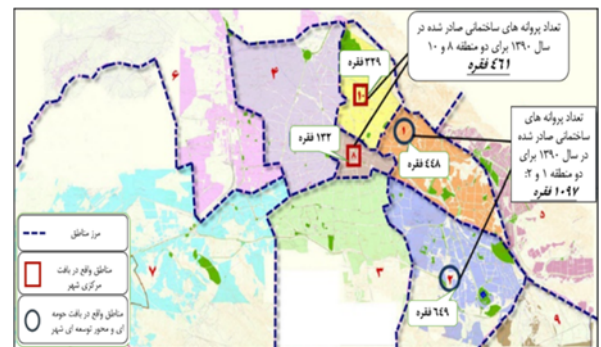


نمودار (۶) تغییرات هم‌زمان متوسط قیمت زمین مسکونی در مناطق شمالی و جنوبی تهران

به طوری که با حرکت به سمت سال‌های بالاتر، شکاف قیمت بین این دو محدوده افزایش پیدا کرد و حاکی از آن است که ارزش کیفی منطقه فقیر مرکز شهر در طول ۲۵ سال اخیر نه تنها به اندازه منطقه متمول ارتقا نیافته بلکه این امر با گذشت زمان به صورت یک شکاف چشمگیر که امروزه کاملاً ملموس است، بروز کرده است (نمودار ۴).

جدول (۵) مقایسه پروانه‌های ساختمانی صادر شده در مناطق شمال و جنوب اقتصادی شهر تهران

مناطق جنوبی (۹ تا ۲۰)	مناطق شمالی (۱ تا ۸)	متغیرهای مربوط به پروانه‌های ساختمانی صادر شده
۲۰۴۶۹۰	۲۹۵۶۲۰	مساحت (هکتار)
۴۳۴	۷۳۵	تعداد پروانه ساختمانی صادر شده
۴۱۱۶۸۴	۲۲۰۴۹۴۱	مساحت زیربنای پروانه‌های ساختمانی صادر شده (متر مربع)
	۱/۴۴	نسبت مساحت مناطق شمالی به مناطق جنوبی
	۵/۳۵	نسبت مساحت زیربنای پروانه‌های ساختمانی صادر شده در مناطق شمالی به مناطق جنوبی



نقشه (۱) مقایسه پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری تبریز در مناطق مرکزی و بیرونی شهر



نقشه (۲) مقایسه پروانه‌های ساختمانی صادر شده توسط شهرداری تهران در مناطق شمالی و جنوبی شهر (حک در نقشه اساس جدول ۵)

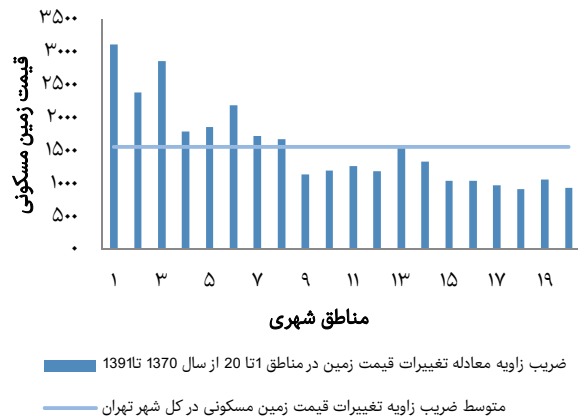
قیمت زمین مسکونی طی این دوره بین مناطق شمالی و جنوبی متفاوت بود. در کلان‌شهر تهران قیمت زمین مسکونی طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۱ بین مناطق شمالی و جنوبی تفاوت نشان داد (به سبب نبود اطلاعات قیمت زمین در سال‌های اولیه پژوهش برای مناطق ۲۱ و ۲۲، این دو منطقه از این بخش پژوهش کنار گذاشته شده است). لازم به ذکر است منطقه ۲۲ در این پژوهش

پیرامون تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در تهران، همان‌طور که ملاحظه می‌شود به واسطه اقتصاد نفتی و افزایش درآمدهای حاصل از آن که در جامعه تزریق و به تبع وارد عرصه ساخت‌وساز می‌شود میل به تمرکز در مناطق مرغوب‌تر شهری دارند. به طوری که ارتقای فزاینده کیفیت زندگی در مناطق مرغوب و متمول شهر از یک سو و افول روزافزون کیفیت بافت‌های کم‌ارزش‌تر از سوی دیگر مشاهده می‌شود. لذا در پی تمایلات سوداگران در تولید فضاهای شهری و از سوی دیگر با توجه به تمرکز سرمایه در اختیار گروه‌های خاص و سرمایه‌دار، بخش عمده رانت ناشی از فعالیت‌های انجام‌گرفته در فضاهای شهری توسط قشر سرمایه‌دار جذب می‌شود و در نتیجه شکاف طبقاتی و برگردان آن در شهر ترجمان فضایی می‌یابد.

از مباحث مذکور می‌توان چنین استنباط کرد که محصول و اثرات فضایی ناشی از شدت رانتی‌شدن کنش‌های شهری، در عرصه فضایی به شکل شکاف رسوب می‌کند که توالی پیامد شکاف منتج از روابط رانتی شهرها در کشور نفتی (که در این پژوهش تحت رویکرد اقتصاد سیاسی تبیین شد) در بسامدهای فضایی را طی چند دهه اخیر به خوبی می‌توان مشاهده کنیم. در نهایت می‌توان گفت که قطبی‌شدن حاصل از سود ناشی از شدت انباشت سرمایه‌های نفتی در سطح شهر تهران و تبریز مدام در حال پررنگ‌تر شدن است.

این پدیده موجود در کلان‌شهر را می‌توان با آنچه [22-25] از آن تحت عنوان سلب مالکیت از اقشار فقیر و انباشت سرمایه می‌نامند تطبیق داد که انباشت سرمایه توسط اقشار سرمایه‌دار در نواحی مختلف شهر صورت می‌گیرد که سود مورد انتظار در آن وجود دارد و در واقع این مختصات فضایی شهر مولد سود برای سیستم سرمایه‌داری است که جایی برای اقشار با سطوح پایین قدرت در خود نخواهد داشت و اینها رانده‌شدگان از سیستم گردش سرمایه و سود هستند که این چرخه موجب بازترشدن شکاف بین این دو گروه خواهد شد از طریق انباشت روزافزون سود در نواحی با قابلیت رانت بالاتر؛ همان موضوعی که در مفاهیم مربوط به محلات دروازه‌ای نیز قابل پیگیری است.

با جمع‌بندی موارد یاد شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که امروزه کلان‌شهرها مهم‌ترین واحدهای فضایی فعالیت‌های اقتصادی- اجتماعی از یک سو و مظهر بلا فصل این مناسبات هستند که در پیوندهای فضایی نوینی، قلمروهای پیوسته و گسسته، گسترده‌ای به وجود آورده و به محورهای گردش توسعه به دور خود بدل شده‌اند. بنابراین ساختار و سازمان فضایی کلان‌شهرها و به تبع آن تهران به عنوان مورد مطالعاتی این پژوهش، مدام در حال تحول هستند و تحت تاثیر جریان و مناسباتی قرار دارد که ضرورت پرداختن به این فرآیند چندوجهی را آشکار می‌کند. در تبیین تحولات فضایی رویکردهای مختلفی وجود دارد که با نظر به نقش اساسی مولفه قدرت (سیاست)، دیدگاه اقتصاد سیاسی فضا به عنوان عدسی تحلیلی برای پایش این تحولات اتخاذ شد که با استخراج مولفه‌های منبعث از این دیدگاه در فضای تولید شده تحت نظام سرمایه‌داری و سیاست‌های لیبرالی مرتبط با درآمدهای نفتی و در آزمون آن در کلان‌شهر تهران، بیانگر این بود که ساخت‌وساز و فعالیت‌های عمرانی با درآمد نفتی در ارتباط است. از سویی با افزایش درآمدهای نفتی، در اثر افزایش نقدینگی، تورم در بخش زمین و مسکن به علت عرضه محدودشان پدیدار می‌شود و به دلیل وجود روحیه رانت‌جویانه در جامعه و فقدان سیستم مالیاتی کارآمد، سرمایه موجود در جامعه عمدتاً با اهداف سوداگرانه و حفظ



نمودار ۷) ضریب زاویه معادله تغییر قیمت از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۹۰ در مناطق تهران

بحث

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی الگوی تحولات فضایی کلان‌شهرهای تهران و تبریز در بستر اقتصاد نفتی ایران بود. نتایج حاکی از آن است که تولید تحولات فضا و فعالیت‌های ساختمانی در کلان‌شهرهای تهران و تبریز تحت تأثیر مستقیم درآمدهای نفتی قرار دارد که این فعالیت‌ها عمدتاً دارای اهداف رانت‌جویانه است و در نهایت شکاف فضایی در این دو کلان‌شهر طی چند دهه اخیر به عنوان پیامد این گرایش‌ها، قابل تشخیص است. تولید فضا تحت تاثیر مولفه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیطی و غیره است که به فراخور شرایط هر یک از این مولفه‌ها تحت قالب شرایط تغییر وضعیت می‌دهند. در این راستا اقتصاد نفتی نیز به عنوان یک شیوه تولید اقتصادی، روابط اجتماعی و سیاسی نظیر خود را تولید می‌کند که آثار آن در تحولات فضایی متبلور می‌شود. در کشورهای صادرکننده نفت شاهد ظهور شهرهای مسلط و همه عوارض شهرگرایی ناسالم از قبیل آلودگی‌های هوا، آلودگی صوتی و جدایی‌گزینی شدید اجتماعی بین اقشار مختلف جامعه شهری هستیم. به طور کلی درآمد نفتی به ساخت‌وساز، صنایع وابسته، شهرگرایی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها رونق می‌بخشد و فعالیت‌هایی مانند احتکار و سوداگری که مستقیماً تحت تاثیر سیاست‌های دولتی هستند پررنگ‌تر می‌شوند [20].

در رابطه با تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در شهر تهران، با توجه به دلایلی که در بخش نظری اشاره شد (مانند حفظ ارزش دارایی و کسب سود به واسطه تورم موجود در بازار زمین مسکن به عنوان پیامد افزایش درآمدهای نفتی) می‌توان چنین عنوان کرد که پروانه‌های ساختمانی صادر شده در تهران تحت تاثیر درآمدهای نفتی قرار دارد که با تزریق در بدنه اقتصادی کشور فعالیت عمرانی را نیز تحت تاثیر قرار می‌دهد؛ این یافته مبنی بر تغییرات هم‌زمان درآمدهای نفتی و تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده شهر تهران با یافته پژوهش‌های مشابه پیشین هم‌راستا است [21].

شیب نمودار قیمت زمین در منطقه متمول حومه‌ای در کلان‌شهر تبریز بیشتر از منطقه فقیر مرکز شهر است، به طوری که با حرکت به سمت سال‌های بالاتر، شکاف قیمت بین این دو محدوده افزایش پیدا می‌کند و حاکی از آن است که ارزش کیفی منطقه فقیر مرکز شهر در طول ۲۵ سال اخیر نه تنها به اندازه منطقه متمول ارتقا نیافته است بلکه این امر با گذشت زمان به صورت یک شکاف چشمگیر که امروزه کاملاً ملموس بوده، بروز کرده است.

- 1989;16(1):23-39.
- 2- Fainstein SS. New directions in planning theory. *Urban Aff Rev.* 2000;35(4):451-78.
- 3- Malekian M, Izadi MS, Sobhanardakani S. The importance of urban public spaces in sustainable development of urban tourism (Case study: region 1 in Hamedan municipality). *J Environ Sci Tech.* 2017;18(4):237-55. [Persian]
- 4- Bahreini H. *Urban design process.* Tehran: Tehran University Press; 1998. [Persian]
- 5- Morten G, Vale B. Aiming for a better public realm: Gauging the effectiveness of design control methods in Wellington, New Zealand. *Buildings.* 2015;5(1):69-84.
- 6- Horkheimer M. *Critical theory.* New York: Seabury Press; 1972.
- 7- Sohbatlo A, Mirzamohammadi MH. Review over critical theory in education. *J Validity Axiolog.* 2014;1(2):94-110. [Persian]
- 8- Kazemiyan GH, Mirabedini Z. Pathology of integrated urban management for Tehran in view of policy and decision making. *J Fine Arts.* 2011;3(46):27-38. [Persian]
- 9- Kazemiyan Gh, Jalili M. Key stakeholders power analysis of policy making process in Tehran's strategic-structural (comprehensive) plan (1999-2011). *J Archit Urban Plan.* 2015;8(15):139-58. [Persian]
- 10- Imani Shamloo J, Rafeian M. Power and redefine the theory of urban planning (with an emphasis on the perspective of the political economy of space). *Rahbord.* 2016;25(80):287-319. [Persian]
- 11- Hatami Nezhad H, Faraji Molaei A. Neoliberalism and its impact on urban space (Case study: Cities of England). *Sci Res Q Geogr Data.* 2013;22(46):18-24. [Persian]
- 12- Piran P. Theoretical perspectives in urban sociology and urbanization. *Polit Econ Ettela'at.* 1991;6(40):64-9. [Persian]
- 13- Kristovic J. Theories on capitalist urbanization and the postsocialist city. *Facta Univ Philos Sociol Psychol Hist.* 2012;11(2):191-200.
- 14- Witlox F, Derudder B. Airline passenger flows through cities, Some New Evidence. In: Taylor PJ, Derudder B, Saey P, Witlox F. *Cities in globalization.* London: Routledge; 2007.
- 15- Florian W, Salama AM, Thierstein A. Urban evolution of the city of Doha: An investigation into the impact of economic transformations on urban structures. *METU J Fac of Archit.* 2012;29(2):35-61.
- 16- Harvey D. *Rebel cities: From the right to the city to the urban revolution.* New York: Verso; 2013.
- 17- Kheyroddin R, Taghvaei AA, Imani Shamloo J. Spatial Evolution Analysis of Metropolises Associated with Changes in Oil Prices (Case Study: Tabriz Metropolis). *Iran Assoc Archit Urban.* 2013;4(6):17-36. [Persian]
- 18- Tabriz Municipality. *Statistics of the municipality of Tabriz city.* Tabriz: Tabriz Municipality; 2012. [Persian]
- 19- Tehran Municipality. *Statistical yearbook of Tehran city municipality.* Tehran: Tehran Municipality; 2007. [Persian]
- 20- Shakoei H. *New perspective in urban geography.* 5th Edition. Tehran: Samt; 2004. [Persian]
- 21- Kheyroddin R, Golriz K. Evaluation of the process of demolition and renovation of urban texture. *Manzar.* 2014;7(2):39-43. [Persian]
- 22- Harvey D. From managerialism to entrepreneurialism: The transformation in urban governance in late capitalism. *Geogr Ann.* 1973;71(1):3-17.
- 23- Harvey D. *Right to the city.* New Left Rev.

ارزش‌داری وارد بازار ساخت‌وساز می‌شود. بنابراین می‌توان چنین عنوان کرد که روابط سوداگرانه در بخش ساخت‌وساز و فعالیت‌های عمرانی تهران و تبریز وجود دارد. این فعالیت‌های سوداگرانه و رانتی عمدتاً در سیطره سرمایه‌داران متمول جامعه قرار دارد که با توجه به وجود سود بالا در مناطق باارزش‌تر شهر، کشش فعالیت‌های عمرانی به مناطق باارزش‌شهری بیشتر است و سبب انباشت سرمایه در این مناطق شده و افزایش روزافزون حجم ثروت و سرمایه در اختیار گروه‌های سرمایه‌دار از تبعات بعدی آن است که به‌مرور به شکاف اجتماعی و طبقاتی دامن می‌زند و فضا نیز به‌عنوان آینه تمام‌نمای روابط اجتماعی این شکاف را در خود متبلور می‌کند و منجر به شکاف فضایی و نهایتاً جدایی‌گزینی طبقاتی بین قشر فقیر و غنی می‌شود و درنهایت این مستندات می‌تواند تاییدی باشد بر این نکته که ساختار و سازمان فضایی تهران باید براساس ادبیات متفاوتی همچون اقتصاد سیاسی فضا مطالعه شود و رویکردهای تک‌وجهی، به‌تنهایی قابلیت تبیین این وضعیت را نخواهند داشت.

از جمله پیشنهادات این پژوهش می‌توان به تمرکز پژوهش‌های آتی بر این نکته محوری اشاره کرد که تسلط بر تولید فضا و سودهای موجود در کلان‌شهر نفت محور تهران و تبریز توسط کدامین گروه‌ها صورت می‌گیرد، به این معنا که کنش‌های انجام‌شده در حوزه تولید فضایی، تحت تاثیر کدام گروه‌ها است. به عبارت دیگر شکاف فضایی شکل گرفته به‌واسطه شکل‌گیری شکاف طبقاتی توسط چه گروه‌ها و از چه مجاری صورت می‌گیرد اما به دلیل ارتباط تنگاتنگ پیشنهاد اخیر با لایه‌های زیرین قدرت که عمدتاً ناملموس بوده و ورای آن چیزی است که در ظاهر اتفاق می‌افتد، دستیابی به مکانیزم‌های پشت پرده دشوار بوده و جزء محدودیت‌های زمینه پژوهشی حاضر محسوب می‌شود.

نتیجه‌گیری

تولید، تحولات فضا و فعالیت‌های ساختمانی در کلان‌شهرهای تهران و تبریز تحت تاثیر مستقیم درآمدهای نفتی قرار دارد.

تشکر و قدردانی: نظر به اینکه پژوهش حاضر بخشی از رساله دکتری شهرسازی است که در دانشکده هنر و معماری و به راهنمایی دکتر مجتبی رفیعیان است، نگارندگان بر خود لازم می‌دانند فرصت را غنیمت شمرده و از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس برای حمایت‌های مادی و معنوی در انجام پژوهش حاضر تشکر و قدردانی نمایند.

تاییدیه اخلاقی: موردی از سوی نویسندگان گزارش نشد.

تعارض منافع: هیچ‌گونه تعارض منافی میان نویسندگان وجود ندارد.

سهم نویسندگان: جواد ایمانی‌شاملو (نویسنده اول)، پژوهشگر اصلی/تحلیلگر آماری/نگارنده بحث (۳۵٪)؛ محمدرضا پورجعفر (نویسنده دوم)، نگارنده مقدمه/نگارنده بحث (۳۰٪)؛ مجتبی رفیعیان (نویسنده سوم)، پژوهشگر اصلی/روش‌شناس/نگارنده بحث (۳۵٪).

منابع مالی: پژوهش حاضر منبع مالی ندارد.

منابع

- 1- Yiftachel O. Towards a new typology of urban planning theories. *Environ Plan B Urban Anal City Sci.*

25- Imani Shamloo J, Rafeian M, Dadashpoor H. Urban speculation and spatial segregation (spatial evolutions analysis of Tehran metropolis in the context of oil-based economy). Geopolit Q. 2015; 41:104-35. [Persian]

2008;53:23-40.

24- Harvey D. Urbanization under Capitalism: A framework for analysis. Int J Urban Reg Res. 2nd volume. pp. 101-31.